

تفریحگاههای اطراف شهر  
تجمعیهای بزرگی از مردم بر پا  
بود. نیروهای دولتی زیادی در  
اطراف این محلها مستقر  
شده و به بهانه اینکه در ماه  
محرم مردم اجازه شادی کردن  
و رقص و آواز را ندارند خواستند  
مانع برگزاری مراسم ها شوند.  
اما مردم شهر به تهدیدات  
آنها وقعی ننهاد، دختر و  
پسر، زن و مرد با هم و با  
داشتن موسیقی شاد و زنده،  
به مراسم و برنامه های خود  
ادامه دادند.

تمام مراکز دولتی و بانکها در  
محاصره نیروهای ضد شورش

صفحه ۲

## مردم سیزده فروردین را به روز زیر پا گذاشتن قوانین جمهوری اسلامی تبدیل کردند

اطراف شهر رفته و به مناسبت  
سیزده بدر به جشن و رقص و  
پایکوبی پرداختند. در

شهر سنندج و دیگر شهرها  
گسترش پیدا نموده و قوانین و  
موازین و رسومات ارتجاعی  
اسلامی و نیروهای سرکوبگر با  
تعرض مردم آزاده و جوانان روبرو  
بوده و مداوما عرصه را به  
جمهوری اسلامی تنگ نموده اند.  
کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران مردم آزادیخواه و  
جوانان را به تشدید این مبارزات  
در صفی متحد و قدرتمند علیه  
جمهوری اسلامی فرامیخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران**

۱۶ فروردین ۱۳۸۰  
۵ آوریل ۲۰۰۱

**سنندج:** صبح ۱۳ فروردین  
هزاران نفر از مردم سنندج به  
دامنه کوه آبیدر و کوههای

مبارز حاضر در آنجا به مزدوران  
رژیم حمله کرده و آنها را کتک  
کاری میکنند. مزدوران پا به  
فرار میگذارند.

روز ۱۶ فروردین به مناسبت  
تاسوعا و عاشورا نیروهای  
رژیم در شهر سردشت قصد انجام  
سینه زنی را داشتند. صدها نفر  
از مردم با اطلاع از چنین نمایش  
نفرت انگیز و توحش اسلامی  
تصمیم به برهم زدن آن و حمله  
به نیروهای رژیم را داشتند. این  
خبر در میان نیروهای پاسدار و  
بسیج پخش شده بود، که احتمال  
درگیری میان آنها و مردم وجود  
دارد. نیروهای سپاه و بسیج  
کوتاه آمده و از برگزاری برپایی  
سینهزنی صرفنظر میکنند  
در یک ماه اخیر اعتراض مردم

\* **نیروهای انتظامی رژیم به  
بهانه ماه محرم نتوانستند مانع  
شادی مردم شوند**

## جوانان مبارز نمایش مضحک سینه زنی رژیم را در سنندج برهم زدند

## مراسم سینه زنی نیروهای سپاه و بسیج از ترس حمله مردم در سردشت لغو شد

تعدادی از نیروهای رژیم در ساعت  
۵ و نیم بعد از ظهر ۱۴ فروردین  
در خیابان ششم بهمین با برپایی  
مراسم سینه زنی قصد پیمودن  
این خیابان را داشتند. این نمایش  
مضحک مورد مسخره مردم قرار  
میگردد. حدود ۲۰۰ نفر از جوانان

ایسکرا می پرسد

صفحه ۲

اطلاعیه

انجمن مارکس لندن

صفحه ۳

جنایت مشترک

جمهوری اسلامی

و اتحادیه میهنی

صفحه ۴

### رادیو انترناسیونال

(بخش کردی)

روزهای پنجشنبه هر هفته  
از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم  
بعدازظهر به وقت تهران  
موج کوتاه ردیف ۳۱ متر  
برابر با ۹۹۶۰ کیلوهرتز.

### طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۸۱ ۶۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

## عملیات نام ربائی باند انشعابی از کومه له



ایرج

فرزاد

صفحه ۳

## خودکشی نه، زنده باد مبارزه برای زندگی!



فروزان حسنی

می شد، به او برجسپ میزدند  
که تو فاحشه ای، خودت را  
وقف زندگی نکرده ای و لیاقت  
ما را نداری. شیدا سرانجام در  
سن ۲۱ سالگی و در اوائل  
دوران شکوفائی جوانیش، خود  
را سوزاند و بعد از ده روز  
تحمل درد و شکنجه جاننش را  
از دست داد.

و حیای یک زن برده سنتهای  
ارتجاعی و ... مرتب تحقیر  
میشود و سرزنش میشود و به  
او هشدار و اخطار داده میشود.  
او از خانواده فقیری بود و چون  
یک فرزند دختر داشت همیشه  
تهدید به "طلاق" را همچون  
کابوسی میدید و آینده تاریکی  
را پیش روی خود و دخترش  
تصویر میکرد. اگر میخواست  
با چیزی که با ساده ترین منطق  
و با عقل او جور درنیامد  
مخالفت خود را ابراز کند، زیر  
ضربات شلاق شوهرش کبود

صفحه ۴

هیچوقت دلم نمیخواست شاهد  
حوادثی باشم که بعد از چندین  
سال به نحو آزار دهنده ای  
تاثیرات آنها را در زندگی با  
خود حمل کنم. مشکل خودکشی  
و خودسوزی بویژه زنان جوان  
مسائله ای است که باید در مورد  
آن نوشت و به فکر چاره ای بود.

شیدا دوست عزیز من حدودا  
هشت سال پیش بود که در  
اسفند ماه در شهر سنندج خود  
را سوزاند. او در سن ۱۵ سالگی  
ازواج کرده بود و همیشه وقتی  
برایم درد دل میکرد از فشاری

که شوهرش و خانواده شوهرش  
به او وارد میکردند گله و  
شکایت داشت. میگفت که  
بخاطر حجاب اسلامی، رعایت  
حد و مرزی که برای زنان  
گذاشته بودند، انضباط و حجب

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

## ایسکرا می پرسد؟



اسد گلچینی

**ایسکرا :** روز جهانی کارگر در راه است. کارگران جهان هر ساله در این روز با مارش عظیم خود، سرمایه داری را به مصاف می طلبند. در شهرهای کردستان برگزاری ماه مه از سابقه خوبی برخوردار است. توصیه های شما چیست؟

**اسد گلچینی:** امسال در ایران، روز کارگر ویژه تری خواهیم داشت؛ کارگران و مردم در سال گذشته در جدال و مبارزه ای وسیع و علنی برای عقب زدن حکومت اسلامی و با تشدید مبارزاتشان، هر روز با اعتراض، اعتصاب، تظاهرات و ... و در نافرمانی به قوانین کثیف اسلامی بسر بردند. این

روز اعتراض و همبستگی کارگری عظیمی است که بطور مستقل یعنی دور از دست درازی حکومت اسلامی، جناحهای مختلفش و دیگر ابزار و ارگانهایش بحرکت در میاید.

کارگران در شهرهای کردستان از این لحاظ دارای تجارب با ارزشی هستند. در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بارها این صف در اشکال مختلف به حرکت درآمده است.

امسال بار دیگر و در ادامه فضایی که شهرها در سال ۷۹ بسر برد، برای متشکل کردن یک صف مستقل، قوی و توده ای و در همه شهرها باید تلاش کرد و بار دیگر کل جامعه نابرابر و استثمارگر سرمایه داری و حکومت اسلامی اش به مصاف طلبیده شود.

استقبال از روز کارگر را با

مبارزه، همه مردم، همه اقشار و طبقات جامعه را در برگرفته است و بار دیگر فرصتی برای طبقه کارگر بوجود آمده تا بتواند آلترناتیو آزادی و برابری را در مقابل جامعه قرار دهد. اول ماه مه ۸۰ میتواند نقطه عطفی در این مسیر باشد.

روز اول ماه مه در عین حال که روز کیفر خواست علیه نظام سرمایه داری است، روز بیان خواستها و مطالباتی است که برای زندگی بهتری در جامعه طرح میشود. روز اول ماه مه

۱۱ صبح مردم دسته دسته از شهر خارج شدند. جاده سقز بانه و خصوصا اطراف روستای تموغه، جاده سقز - سنندج و اطراف رودخانه "زربنه رود" و باغها و مزارع روستای "آبه نان"، باغهای "مهلقره" و "گانی نیاز"، اطراف جاده سقز - بوکان و باغهای "سرا" شاهد تجمع هزاران نفر از مردمی بود که زن و مرد، دختر و پسر، به شادی و رقص و پایکوبی پرداختند. نیروهای انتظامی رژیم با نام "محرم" است و نباید شادی کرد" تلاش کردند مانع جمع شدن و شادی مردم شوند که کسی به حرفشان گوش نکرد. ضمنا شهر حالت حکومت نظامی داشت.

### بوکان:

هزاران نفر از مردم بوکان روز ۱۳ فروردین از شهر خارج و به تفریحگاهها رفتند. جوانان و مردم بر خلاف قوانین اسلامی و با زیر پا گذاشتن فرامین رژیم مبنی بر عزاداری محرم، این روز را به روز شادی و رقص و پایکوبی تبدیل کردند. مردم بوکان از صبح این روز گروه گروه به تفریحگاههای سد بوکان، باغهای "تازه قلا"، "غار سهولان"، "فره کند"، مسیر "جاده برهان تا تازه قلا"، "پارک ساحلی"، کوه "برده رش" و جاده "کوستانه" رفتند و به شادی

تشکیل جمع و یا هیئت های برگزار کننده مراسم کارگران که در برگیرنده همه نمایندگان و یا فعالین مراکز کار، تشکلهای موجود، کارخانه ها و کارگاهها ادارات دولتی در هر شهر است و با در دستور قرار دادن همه اقدامات لازم برای چنین مراسمی شروع کنیم.

تهیه ملزومات و جلب و جذب توده وسیعی از کارگران و خانواده های کارگری، جوانان و زنان مبارز یکی از کارهای بسیار مهم این هیاتها میباشد.

وجود مراسم مستقل و توده ای در فضای باشکوهی که در شهرها ایجاد می کنیم باید با خواستهای محکومیت صریح و روشن نظام سرمایه داری و شرایط خفقان آور و مصیبت بار کنونی همراه باشد. ما فکر میکنیم که برگزاری مراسم و یا متینگ و حتی رژه عظیم به مناسبت ماه مه در روز کارگر در شهرهای کردستان

روز عزای رژیم و شادی خود تبدیل کردند.

این تهدید و توصیه های رژیم حساسیت بیشتری بر انگیخت و مردم در تقابل، روز سیزدهم را چنان جشن گرفتند که تا کنون سابقه نداشته است. هزاران نفر صبح این روز خودشان را آماده کردند که به خارج شهر بروند. گروههای متعدد موزیک و انواع وسایل نقلیه جواب گو نبود. راههای خروجی شهر چنان ترافیکی ایجاد شده بود که بی سابقه توصیف میشود. همه وسایل نقلیه بیش از ظرفیت مسافر داشتند. مامورین رژیم برای محدود کردن این موج که ایجاد شده بود با گذاشتن واحدهای بازدید در جاده های خروجی شهر، برای هر نفر اضافی در ماشینها ۱۵۰۰ تومان جریمه میکردند. اقدامات رژیم برای کنترل مردم و ایجاد مزاحمت برایشان نه تنها کارساز نشد بلکه مردم چندین بار با مامورین رژیم درگیر شدند و وسیعاً این روز را جشن گرفتند. متأسفانه به دلیل ترافیک بیش از حد چندین تصادف روی داد. در این تصادفها یک کودک ۴ ساله به اسم پوریا هدایتی جانش را از دست داد و دو بچه دیگر زخمی شدند. ما همینجا ضمن ابراز تأسف عمیق خود از این حادثه ناگوار، مرگ پوریا عزیز را به خانواده و بستگانش و

ممکن است و لازمست در فکر آن بود. شعار مرگ بر سرمایه داری و زنده باد حکومت کارگری و مطالباتی چون افزایش دستمزدها، پرداخت دستمزدهای معوقه، حق اعتصاب و تشکل، لغو قانون محرومیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار لازمست در مراسمها با برجستگی مطرح شوند. سنت قطعنامه نویسی را دوباره باید احیا و مطالبات اساسی و فوری کارگران را در آن مطرح کرد.

ما همه کمونیستها، جوانان و زنان و مردم آزادیخواه را به شرکت وسیع در مراسم های باشکوه اول ماه مه در همه شهرها فرا میخوانیم. باید کاری کرد فضای روز بین المللی کارگران همه جا را تسخیر کند.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

همه مردم کامیاران صمیمانه تسلیت میگوییم.

در جریان این مراسمها مامورین رژیم چهار جوان را به جرم نوشیدن مشروب دستگیر کردند. مردم توانستند یکی از دستگیرشدگان را از دست نیروهای انتظامی رها کنند. سه نفر دیگر به اسامی کریم ابراهیمی، عبدالله صادقی و علی، روز ۱۴ فروردین هر کدام را به ۸۰ ضربه شلاق محکوم کردند و این حکم را ساعت ۱۲ و نیم ظهر همان روز به اجرا در آوردند. این سه نفر عصر ۱۴ فروردین آزاد شدند و در خانه های خود بستری شدند.

### بانه:

روز سیزدهم به در هزاران نفر از مردم شهر بانه به باغها و تفریحگاههای اطراف رفتند. جاده های خروجی شهر بانه نیز شاهد ترافیک سنگین و بی نظیری بود که به مناسبت ۱۳ به در بوجود آمده بود. بدلیل وجود محرم و دقیقاً در تقابل با رژیم اسلامی جوانان، و مردم شهر لباسهای تازه و شاد پوشیده بودند و مسیر بانه - سقز، بانه - سردشت و بانه - مریوان و دشت "بوین" مملو از گروه های مردم بود که دور هم جمع شده و مشغول شادی و رقص و پایکوبی بودند.

\*\*\*

## عملیات نام ربائی باند انشعابی از کومه له

اخیرا باند مهتدی-ایلخانی زاده، نوستالژی "خبرنامه کومه له" و تیتراژ "هم میهنان مبارز" را ضمیمه تلاش های خود در "بازسازی" و پاک سازی کمونیسم از تاریخ کومه له کرده اند. این جماعت ادعا میکنند که "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" - کومه له را به قالب اولیه خود باز میگردداند. اشاره مختصری به هر کدام از اینها نشان میدهد که هدف این عده ربودن نام یک جریان با خالی کردن تمام محتوای انقلابی و رادیکال آن است.

### "هم میهنان مبارز"

همچنانکه از عنوانش برمیآید حامل یک گرایش ملی-میهنی بود که عنوان و خطبیه اعلامیه های کومه له را تا قبل از اعلام موجودیت در بهمن ۵۷ تشکیل میداد. بینش حاکم بر اعلامیه های "هم میهنان مبارز"، یک بینش تمام خلقی در راستای گرایش فکری حاکم بر چپ پوپولیستی ایران بود و ارتباطی با کردایمی نداشت. اینکه اکنون جماعت مهتدی میخواهند به این دوران باز گردند، مبارکشان باد. کومه له آن مراحل اولیه و آن دوران عقب ماندگی پوپولیستی را پشت سر گذاشت. با اینحال حتی در همین سطح هم عنوان "هم میهنان مبارز" با قواره "کردایمی" این جماعت نمیخواند. مقایسه کنید با فراخوان این باند به دانش آموزان کردستان که از آنها خواسته بود در هفته اول سال تحصیلی "به زبان کردی" حرف بزنند!!

### -خبرنامه کومه له

"خبرنامه کومه له" در فاصله زمستان ۵۸ و تا اواخر جنگ ۲۴ روزه شهر سنندج در بهار ۵۹ توسط واحد تشکیلات کومه له در سنندج منتشر میشد. این خبرنامه ها رویدادها را منعکس میکردند و وقایع را ثبت و اخبار مقاومت های مردم و نیروی مسلح کومه له و نیز کارشکنی ها و توطئه های حزب دمکرات را چه در جریان تحصن

یک ماهه مردم در استانداری برای خروج پاسداران از شهر سنندج و چه جنگ ۲۴ روزه سنندج منتشر میکرد. صرف نظر از اینکه از نظر گرایش، بر این خبرنامه ها التقاط و پوپولیسم حاکم بود و جماعت مهتدی در عشق به این دورانهای ناروشنی و ابهام و عقب ماندگی فکری از تب و تاب میسوزند، عنوان خبرنامه کومه له با جهت گیریهای پوپولیستی آن دوران هنوز با جایگاه دست راستی کنونی باند مهتدی متناقض است. اینها اکنون هم خط و در راستای دواخردایمی رژیم و فراکسیون نمایندگان منطبق کردنشین اند، دو خردایمی که حتی اکنون هم به خدمات خود به جمهوری اسلامی، کشتار قلاتان و اعدام های دسته جمعی مهاباد در سال ۵۹ افتخار میکنند. این جماعت تازگی برای قرار گرفتن در حاشیه حزب دمکرات اقداماتی را برخلاف تمام دورانهای کومه له حتی در دوران پوپولیسم کومه له در دستور گذاشته اند. در یاد "دوم ریبندان، سالروز جمهوری مهاباد" میگویند و مینویسند و آن را تاریخ خود میکنند و به "دستاورد های مشترک" با آن حزب دمکرات مباحثات میکنند. در حالی که بخش مهمی از خبرنامه کومه له در دوران مورد بحث، انتشار اخبار مربوط به کارشکنی های حزب دمکرات، اسکورت کردن های ستون ارتش جمهوری اسلامی و تلاش پنهانی برای مذاکره با رژیم بود.

### -سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

این عنوان و تلاش برای تداعی شدن با آن از سوی جماعت انشعابی از همه مسخرتر و واقعا فقط قابل مقایسه با عملیات کودتائی سرخوچه های ماجراجو و کله شق ارتشهای رژیمهای دیکتاتوری دارد. این یک سرعت آشکار و در روز روشن است. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران تا قبل از پیوستن به حزب کمونیست ایران، ۳ کنگره داشته است.

در کنگره اول دیدگاه حاکم بحث جامعه ایران نیمه مستعمره - نیمه فئودال بودن ایران بود. جالب این است که یکی از منتقدین تحلیل نیمه مستعمره - نیمه فئودال بویژه در کنگره دوم کومه له، شخص عبدالله مهتدی بود. دستور جلسات کنگره اول کومه له موجودند، من شخصا تصور نمیکنم انتشار مباحث پوپولیستی و نازل تحلیلی و سیاسی و عقب مانده آن کنگره به نسبت همان دوران و بویژه بخشهای مفصل بررسی شخصیتها، قول و قرارها و تنبیهات تشکیلاتی مبتنی بر معیارهای اخلاقی پوپولیستی و عقب مانده به نفع این باند باشد. بویژه اینکه دو نفر از شرکت کنندگان در کنگره اول کومه له، عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده، خود در جلسات کنگره حضور داشتند. تصور نمیکنم خود اینها خاطرات خوبی از ارزیابی کنگره در مورد خودشان داشته باشند. در حالی که کادریهای کومه له در پارتیک اجتماعی و انقلابی عملا دیدگاههای حاکم بر کنگره اول را به هیچ گرفتند و در تلاشهای بعدی به اتکا مارکسیسم انقلابی، کومه له را از تسلط گرایش عقب مانده پوپولیستی رها ساختند، تداعی کردن باند مهتدی با کنگره اول کومه له فقط میتواند در خوش بینانه ترین حالت، نشانه یک گذشته پرستی کور و عشق احمقانه به عقب ماندگی و شخصیت شکنی باشد. حتی اگر این تحقیر شامل حال خود آنها هم بشود.

در کنگره دوم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، دیدگاه اتحاد مبارزان کمونیست، و در نتیجه مارکسیسم انقلابی بر کومه له مسلط شد و بعد از کنگره دوم مقاله شعیب زکریائی، از کنگره اول تا کنگره دوم، مندرج در پیشرو شماره های ۱ و ۲ و ۳ در طی سال ۶۰ به یکباره کومه له با دیدگاه نیمه مستعمره - نیمه فئودال و پوپولیسم وداع کرد و به مارکسیسم انقلابی پیوست.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در کنفرانس ششم بر نقد خود از پوپولیسم پای فشرده و تدوین برنامه کمونیستی را "حلقه اصلی" در تشکیل حزب کمونیست ارزیابی کرد. در کنگره سوم این برنامه کمونیستی، یعنی برنامه مشترک اتحاد مبارزان کمونیست و کومه له تحت نام "برنامه حزب کمونیست" به تصویب کنگره رسید. جماعت انشعابی و بویژه شخص عبدالله مهتدی از کل این پیرویه و تحول و تکامل سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران پشیمان است و آنرا ا قبول ندارد، آنرا به لجن کشیده است و از کلیه فعالیتهای کادریهای آن تشکیلات برای ایجاد یک تشکل کمونیستی و یک حزب کمونیستی از خود اعلام برائت کرده است. اینها حقیقتا تصمیم گرفته اند تشکیلات همزاد اتحادیه میهنی جلال طالبانی را به هر قیمت ایجاد کنند. ارزانی شان باد، اما مطلقا حق به لجن کشیدن اسم کومه له کمونیست را ندارند. حقیقت این است که تلاش جماعت عبدالله مهتدی برای ربودن نام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران با سابقه آن جریان و بویژه با کنگره های دوم و سوم در تناقض است. چنانچه اینها میخواهند با کنگره اول کومه له تداعی شوند، همین را بگویند. در این صورت دیدن قیافه اینها هنگامی که آن بخشهایی از صورت جلسات کنگره اول را که بینش و گرایش حاکم بر تشکیلات و نیز شیوه ها و مناسبات درونی آن جمع را نشان میدهد، منظره جالبی خواهد بود. بنابراین ژست باز گرداندن کومه له زحمتکشان به قالب اولیه خود، در عین حال که حرکتی عقب مانده و به بن بست رسیده است، بیشتر از یک جعل آشکار در تاریخ تحولات کومه له، به کار یک مشت کارچاق کن و کلاه بردار اقتصادی شبیه است که نسخه های بدلی محصولات الکترونیکی را با کیفیتی نازل و فاقد هر ضمانتی برخلاف همه قوانین و عرف مدرن کپی رایت و حق تالیف به بازارهای

سیاه عرضه میکنند. حقیقت پشت همه این بندبازیهایی این است که اینها میخواهند با ربودن نام کومه له و فقط نام کومه له یک فرقه دیگر فالانژ، یک باند نفرت پراکنی از کمونیسم و برابری طلبی و آزادی خواهی، به باندهای امثال خهبات شیخ جلال اضافه کنند و دایر کردن شعبه ایرانی اتحادیه میهنی را تدارک ببینند. این تثبیت، قوم پرستانه، و مخرب به حال زندگی و مدنیت مردم کردستان است. این تلاش نامیوم به دلیل نفوذ کمونیستها در میان مردم کردستان هیچگاه اجتماعی نخواهد شد. اما از آنجا که نیروهای مرتجع، اسلامی، و فالانژیستهای ناسیونالیسم کرد، هنوز به تمامی از حیات سیاسی جامعه طرد و منزوی نشده اند، امکان کارشکنی و رواج تعصبات قومی و دامن زدن به یک نفرت پراکنی ضد کمونیستی توسط اینها و تحت نام کومه له، بر بستر سو استفاده از نام فواد و پنهان شدن زیر نام "شهادی" کومه له، هنوز کور نشده است. بحث بر سر یک کلمه نیست، باید تلاش اینها را در ضمیمه کردن اسم کومه له در راستای باد زدن به فالانژیسم - کردایمی و نفرت پراکنی ضد کمونیستی به مردم نشان داد.

\*\*\*

## اطلاعیه

انجمن مارکس لندن  
۴ آوریل ۲۰۰۱

\* نوارهای سمینار ۲۴ مارس منصور حکمت در مورد بحران و انشعاب کومه له روی سایت انجمن موجود است  
\* گزارش فعالیت یکساله انجمن، سمینارهای سال جاری و طرح اردوی مارکسیستی ۲۰۰۱ نیز روی سایت گذاشته شده است

از سایت  
انجمن مارکس  
دیدن کنید

www.marxsociety.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

**اطلاعیه شماره ۲ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران**  
**به همراه کمال محمدیان سه نفر دیگر هم اعدام شده‌اند.**  
**\* جنایت مشترک جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی بی پاسخ نمی‌ماند.**

در اطلاعیه قبلی، اطلاع دادیم که جمهوری جنایتکار اسلامی کمال محمدیان یکی از فعالین سیاسی شهر مریوان را اعدام کرده است. طبق تازه‌ترین خبر اطلاع یافتیم که متاسفانه به همراه کمال محمدیان سه نفر دیگر نیز اعدام شده‌اند. نفر دوم اعدام شده فردی است به نام بختیار اهل جوانرود و اسامی دو نفر دیگر هنوز به دست ما نرسیده است. کمال محمدیان در سال ۷۳ - ۷۴ زندانی بود و حکم ۱۵ سال زندان را داشت. او موفق به فرار از زندان شده و به کردستان عراق پناه می‌آورد. در کردستان عراق اتحادیه

میهنی مزدور به رهبری جلال طالبانی دو سال قبل او را دستگیر و در منطقه سردشت تحویل جمهوری اسلامی می‌دهد. کمال را ۱۳ روز پیش در سنندج همراه ۳ نفر دیگر اعدام می‌کنند. تا کنون جنازه کمال محمدیان را به خانواده‌اش تحویل نداده‌اند. از روز ۱۱ فروردین در مسجد چهار باغ مریوان مراسم یادبود کمال برپا شد و روز ۱۲ فروردین مردم زیادی در آنجا تجمع نمودند.

**مردم مبارز! جریانات و افکار مترقی و مدافع انسان**

جمهوری جنایتکار اسلامی طی

اعتراضات و تحرک گسترده مردم به مناسبت چهارشنبه سوری و سال نو به شدت زیر ضرب و فشار مبارزه مردم قرار گرفت. رژیم هار اسلامی برای زهر چشم گرفتن و مرعوب کردن به این اعدامها دست زده است. این در شرایطی است که جمعیت زیادی از دستگیر شدگان وقایع اخیر شهرها را زیر شکنجه و آزار کماکان در زندان نگه داشته است. برای مقابله و خنثی کردن این اقدامات جنایتکارانه رژیم اعتراض و مبارزه خود را گسترش دهید. در تظاهرات و تجمعات اعتراضی خواهان

آزادی فوری دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندانیان سیاسی بشوید. جنایت مشترک اتحادیه میهنی و جمهوری اسلامی را افشا و محکوم کنید.

**مرگ بر جمهوری اسلامی**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی**  
**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۲ فروردین ۱۳۸۰  
اول آوریل ۲۰۰۱

**خودکشی نه...**  
را که باز کردم همسایه ما خیلی سراسیمه و بشدت متاثر و عصبی گفت فریده دختر عایشه خانم خودش را آتش زد. شتابان به سوی منزل آنها رفتم، فریده را به بیمارستان انتقال داده بودند. بعداز پرس و جو فهمیدم که گناه این دختر جوان این بوده که از پسر همسایه خوشش آمده بود که یک روز هنگام اشاره کردن به پسر مذکور برادر فریده سرمیرسد و جلو چشم پسر همسایه او را زیر باران مشت و لگد می‌گیرد. برادر فریده خواسته بود غیرت مردانه و اسلامی خود را با این وحشی گری نشان دهد. طفلکی فریده در اثر این تحقیر در برابر چشم پسر مورد علاقه‌اش و از ترس اینکه عذاب و تحقیرهای دیگری با اطلاع پدرش از ماجرا در انتظارش است، خود را در حمام خانه به آتش میکشد و بعد از یک هفته بستری شدن در بیمارستان توحید سنندج او هم ما را ترک کرد. او فقط بیست سال سن داشت.

صفیه شریعتی مادر شوهرم بود، ۴۵ ساله زنی دلسوز و مهربان برای بچه‌هایش بود، همیشه از جانب پدر شوهرم مورد اهانت قرار میگرفت، تنهائی حق نداشت به خرید برود، حق نداشت خودش به خیاطی برود و لباس مورد علاقه‌اش را سفارش دهد، اگر میهمان مردی به خانه آنها می آمد، او حق

نداشت سر آن سفره غذا بخورد. روزی بخاطر اینکه فقط به خود جرات داده بود در مقابل حرفها و زورگوئیهای شوهرس بایستد، کتک مفصلی خورد و حتب کار به آنجا رسید که شوهرش میخواست او را با روسری خودش خفه کند که ما رسیدیم و او را از چنگش درآوردیم.. اما او دیگر تصمیم غلط خود را گرفته بود روزی خود را سوزاند و به بیمارستان طالقانی کرمانشاه منتقل شد، اما بعد از ۸ روز او هم جان باخت و رفت.

مواردی را که خواندید فقط در محدوده‌ای که من در جریان آنها بوده‌ام اتفاق افتاده‌اند. حتی اگر به آمارهای ناقص و سرو دم بریده مراکز دولتی جمهوری اسلامی استناد کنیم، ابعاد جنایاتی که اسلام، مرد سالاری ناشی از آن و سنن ارتجاعی می آفریند بسیار وحشتناک اند.

طبق گزارش ۷ مارس ۲۰۰۱ یونیسف، ازدواج در سنین ۷ و ۸ سالگی در کشورهای اسلام زده غیرعادی نیست. طبق همین گزارش سالانه ۱۵۰ هزار زن جوان کمتر از ۲۰ سال به دلیل خورنیزی و عوارض ناشی از زایمان و یا سقط جنین غیر پزشکی در معرض مرگ قرار میگیرند.

نتیجه یک تحقیق نیمه و ناقص در مورد خودسوزیها(خود سوزی و نه اشکال دیگر خودکشی) در شهر سنندج در هفته نامه آبی‌در آبان ماه سال گذشته،

شماره ۸ چاپ شد. طبق این تحقیقات: میانگین سنی مرتکبین به خودسوزی، ۲۴ سال است. ۴۲ و نیم درصد خودسوزیها از سوی کسانی بوده که فاقد مسکن بوده‌اند.

فرخ لقا معتمد وزیری عضو شورای اسلامی شهر سنندج اعتراف کرده است که خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی دخترانشان را به مردانی میدهند که سن پدربزرگشان را دارند! به اقرار مسئولین دولتی تنها در شهرستان قروه ماهانه ۱۵ مورد خودسوزی روی میدهد، و سالانه در استان کردستان ۹۴۰۰ مورد ازدواج بین سنین ۹ تا ۱۵ سالگی اتفاق می افتد. این آمار البته مربوط به جاهائی است که موارد ازدواج گزارش شده است و مامورین تحقیق به آن دسترسی داشته‌اند. مکانها و یا محللهائی که زیر پوشش این تحقیقات قرار نگرفته‌اند شامل این آمار نیست، همچنین مواردی که این ازدواجها جانی ثبت نشده‌اند غایب اند.

طبق تحقیقات علوم پزشکی حمله شدن دختران در سنین پائین‌تر از ۱۸ سالگی خطرات زیادی دارد. طبق سنن اسلامی، قوانین جمهوری اسلامی سن ازدواج دختران را ۹ سال قمری یا ۸ سال شمسی اعلام کرده است. یعنی همان سنتی را که محمد ۱۴۰۰ سال پیش در ازدواج با عایشه ۸ ساله داشت، در هزاره سوم توسط رژیم اسلامی حفظ شده است.

به سیل کودکان خیابانی نگاه

کنید، به دختران جوانی که فاقد هر نوع سرپناهند و در اوج فقر تن خود را میفروشند، نگاه کنید، به انواع و اقسام فشارهای قوانین و نهادهای اسلامی علیه زنان، به حجاب اجباری و عواقب وحشتناک آن بر روح و روان و زندگی دختران بشگرید، به موج وحشیانه مرد سالاری اسلامی و دستگاه فحشای اسلامی در کنار مقبره امامان بنگرید که چگونه چون هیولاهائی به جان زنان ایران انداخته‌اند.

خودکشی راه حل نیست، خود سوزی و انتخاب مرگ تسلیم به این شرایط وحشیانه است. باید برای زندگی مبارزه کرد. یک دنیای بهتر میگوید هیچ مرد بالغی حق ندارد با دختران کمتر از ۱۵ سال رابطه جنسی برقرار کند. این ها جرم سنگین جنائی‌اند و بنابراین سران رژیم اسلامی که تجاوز به حقوق کودک و دختران ۸ ساله را قانونی کرده‌اند، مجرمین جنائی‌اند. یک دنیای بهتر میگوید رابطه جنسی افراد بزرگسال به خودشان مربوط است و هیچ نهاد و مقامی، نه خانواده و نه "ولی" و قیم و نه پاسداران ناموس و ارزشهای ارتجاعی حق دخالت در این رابطه را ندارند.

حزب کمونیست کارگری در یک دنیای بهتر مردم را برای ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و بدور از سلطه مذهب و نهادهای

مذهبی در دولت و آموزش و پرورش و دخالت آن در شیوه زندگی مردم، فراخوانده است. اکنون و در شرایط جامعه ایران حزب کمونیست کارگری با سابقه‌ای روشن، با برنامه‌ای دقیق و مدرن و مترقی و انسانی عزم کرده است که رژیم اسلامی را به زیر کشد و بر ویرانه‌های آن جامعه‌ای سوسیالیستی، جامعه برابر و آزاد، جامعه رفاه و عاری از تحقیر و بردگی برای سرمایه بنا کند. به این نیروی عظیم پیوندید. خود کشی و خودسوزی راه حلی تسلیم طلبانه و از سر استیصال و ناتوانی است. باید بنیانهای رژیم اسلامی را که با قوانین اسلامی و مردسالاری و پاسداری از سلطه سرمایه تحت حمایت ارتجاع اسلامی زندگی هزاران نفر از زنان و بویژه دختران جوان را به تباهی کشانده است از بیخ و بن از جا کند. آن هزاران زن و دختری که در برابر فشار مردسالاری اسلامی و ناسیونالیستی و توحش قوم پرستانه و "غیرت" مردسالارانه، در اثر سرکوب و تحقیر و اهانت قوانین شرع انور و میراثهای ارجاع ۱۴۰۰ سال پیش با دست خود، هر روز در گوشه و کنار ایران خود را قربانی میکنند میتوانند به نیروی عظیم تغییر وضع موجود و بنیان نهادن یک جامعه شایسته انسان آزاد و برابر و مدرن ملحق شوند.

**کمیته کردستان**  
رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۰۰۴۶ ۷۳۹ ۸۵۵ ۸۳۷  
Email: r\_hoseinzadeh@yahoo.com  
Fax:0044 870 133 7209

**دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!**